

اندیشه‌های نوین تربیتی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دانشگاه الزهراء^س

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۲۲

تاریخ بررسی: ۸۸/۸/۲۲

دوره ۶، شماره ۲

تابستان ۱۳۸۹

صص ۱۵۴-۱۲۷

تاریخ پذیرش: ۸۹/۷/۱۰

بررسی میزان آگاهی مدیران آینده مدارس کشور نسبت به حقوق کودکان

دکتر عذرا و سیری اصفهانی*

دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

چکیده

امروزه یکی از مسائل مهم در ارتباط با آموزش مدیران مدارس آشنا کردن آنها با حقوق کودکان است. با توجه به اینکه وضع قوانین به تنهایی ضامن اجرای آنها نیست. بنابراین، آشنائی مدیران مدارس با قوانین و حقوق مربوط به کودکان و اجرای آنها امری ضروری تلقی می‌شود. این پژوهش باهدف بررسی میزان آگاهی مدیران آینده مدارس کشور نسبت به حقوق دانش آموزان با استفاده از روش توصیفی انجام شد. جامعه این پژوهش کلیه دانشجویان نیمسال آخر رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی در مقطع کارشناسی بود. از بین دانشگاه‌های تهران، دو دانشگاه به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب و ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود. یافته‌های این تحقیق بیان کننده آن است که مدیران آینده مدارس کشور نسبت به حقوق دانش آموزان آگاهی‌های لازم را ندارند و بر این اساس پیشنهاد می‌شود قوانین مربوط به حقوق دانش آموزان در برنامه‌های درسی رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی در قالب دو واحد درسی گنجانده شود.

کلید واژه‌ها:

مدیران مدارس، حقوق قانونی دانش آموزان، کنوانسیون حقوق کودک، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

از مباحث مهمی که در سازمان‌ها از جمله سازمان آموزش و پرورش باید مدیران عالی، میانی و اجرایی به آن توجه کنند، موضوع مرتبط با حقوق قانونی دانش‌آموزان و نحوه به کارگیری آنها توسط مدیران و سایر کارکنان مدارس است. از آنجا که بین قدرت رهبری و مدیریت در سازمان آموزش و پرورش با میزان آگاهی و اطلاع مدیران از قوانین و مقررات حیطة کاری آنها ارتباط مستقیم وجود دارد. باید گفت مدیرانی مؤفق و مسلط تر هستند که علاوه بر داشتن مهارت‌های روابط انسانی، رهبری گروهی در امور آموزشی، پرورشی، اداری و استخدامی آشنایی به قوانین و در بهره‌گیری متناسب از قوانین و آیین‌نامه‌ها نیز تبحر لازم را داشته باشند. وضع قوانین و مقررات جدید متناسب با وضعیت آموزشی کشور ما و اجرای قوانین موجود در فراهم آوردن شرایط مساعد برای دانش‌آموزان و آشنا کردن کارکنان اداری و آموزشی به این قوانین و بهره‌گیری از قانون اساسی و سایر قوانین مربوط به حقوق دانش‌آموزان در سطح ملی و بین‌المللی امری حیاتی است که اهمیت و ضرورت آگاهی مدیران از این قوانین را روشن می‌کند.

بدون تردید دوران تحصیل از مهمترین دوران زندگی هر فرد محسوب می‌شود. چگونگی و ماهیت این دوران است که پایه بسیاری از بنیادهای اخلاقی، فکری، اعتقادی و اجتماعی هر فرد را تشکیل می‌دهد. توجه به این دوران در چهارچوب رعایت قوانینی که در جهت حمایت دانش‌آموزان وضع شده، امری ضروری و واجب است. به عبارت دیگر از آنجایی که توسعه منابع انسانی، سعادت و پویایی یک جامعه با افکار و اندیشه‌های افراد آن جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد و با توجه به اینکه مهمترین رسالت آموزش و پرورش در یک کشور آماده کردن دانش‌آموزان برای پذیرفتن نقش‌های مختلف اجتماعی و حضور فعال و مشارکت جویانه آنها در جامعه می‌باشد بنابراین، آگاهی مسئولان آموزشی، به خصوص مدیران مدارس، به قوانین، تعیین‌کننده حدود و روابط انسانی و اجتماعی، امری حیاتی است.

آگاهی مدیران مدارس از حقوق قانونی کودکان امنیت، آرامش و هر چه بیشتر دلپذیر تر شدن محیط آموزشی در مدارس را سبب می‌شود. بی‌اطلاعی از حقوق کودکان نه تنها در نظم مدارس ایجاد اختلال می‌کند، بلکه آثار سوء و نامطلوبی از قبیل مدرسه‌گریزی، ترک تحصیل و بسیاری از ناراحتی‌های روحی و روانی در دانش‌آموزان را به وجود می‌آورد.

تبعات بی اطلاعی از حقوق کودکان، شکست مدرسه در دستیابی به اهداف آموزش و در واقع سیاست‌های کلان جامعه، یعنی توسعه منابع انسانی، را نیز به همراه دارد، زیرا کودکان در هر جامعه‌ای، آینده سازان آن جامعه هستند و تربیت و نحوه پرورش آنها سنگ بنای شخصیت و فردای آنها را می‌سازد. بنابراین، حقوق کودکان از مهمترین حقوق‌های انسانی است که آشنایی همه افراد جامعه، به خصوص والدین و مربیان آموزشی را می‌طلبد و تلاش برای رشد و پرورش سالم و خلاق آنها پیشرفت و توسعه جامعه را هموار خواهد کرد. توجه به حقوق کودکان نشانه مسئولیت و تعهدی است که افراد یک جامعه به نسل آینده کشور خود دارد. تأمین نیازهای کودکان و حمایت از حقوق حقه آنها، فرصت و امکان شکوفایی کامل استعداد آنها را افزایش می‌دهد، زیرا که توجه به رشد صحیح کودکان از عوامل مهم و ضروری توسعه نیروی انسانی و مکمل پیشرفت جوامع بشری است. بر همین اساس بسیاری از سازمانهای بین‌المللی براساس نیازهای روحی و جسمانی انسان‌ها از جمله کودکان، به برنامه‌ریزی اقدام کرده و به این برنامه‌ها جنبه قانونی داده‌اند. به عنوان مثال می‌توان از اعلامیه جهانی حقوق بشر نام برد که مفاد آن از نظر بسیاری از صاحب‌نظران الزام‌آور بوده و از اعتبار حقوق بین‌الملل برخوردار است (ناصر زاده، ۱۳۷۹). این اعلامیه که برای سنجش رفتار کشورها به کار می‌رود، یک پیمان بین‌المللی است، که هدف آن ایجاد تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم است. اعلامیه حقوق بشر سه سال پس از تأسیس سازمان ملل متحد در مجمع این سازمان با ۳۰ ماده در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (روز بین‌المللی حقوق بشر) به تصویب رسید. این اعلامیه که با اندیشه تدقیق و حفظ حقوق بشر شکل گرفته بود، قدمتی به درازای تمدن انسانی دارد، که ردپای این کوشش را می‌توان در منشور حقوق بشر کوروش بزرگ پس از فتح بابل در سال ۵۳۸ ق.م، به روشنی مشاهده کرد که بر کتیبه‌ای گلی به زبان اکدی زبان مردم بابل و زبان بین‌المللی آن روزگار نوشته شده است.

کنوانسیون^۱ حقوق کودک یکی از کنوانسیونهای مهم بین‌المللی مربوط به حقوق بشر است، که با هدف رفع ستم و تبعیض علیه کودکان تدوین و در جهت حفظ حقوق طبیعی و مدنی کودکان طرح‌ریزی شده است. مسئله کودکان و حقوق آنها از دیرگاه مورد توجه جهانیان

1. Convention on the Rights of the Child (CRC)

بوده، به طور مثال در سال ۱۷۹۶ توماس اسپنس^۱، از اولین کسانی که می‌توان او را از طرفداران اولیه حقوق کودکان دانست، معتقد بود که کودکان به طور جدی قربانی مسائل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هستند و تنها نجات آنها تصویب قوانینی است که می‌تواند آنها را در برابر سیاست‌های غلط جوامع حفظ و حمایت کند. (کیکتو^۲، ۲۰۰۶).

در پی انتشار کنوانسیون حقوق کودک از سوی مجمع سازمان ملل متحد، با هدف اعطای قدرت اجرایی به حقوق کودک، این اعلامیه در آبان ۱۳۶۹ از سوی مجمع سازمان ملل متحد به تصویب رسید. کنوانسیون حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده اند به اجرای آن موظف هستند و شکایت‌های مربوط به آن، به کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد تسلیم می‌شود. بسیاری از کشورهای جهان از کنوانسیون حقوق کودک بعد از تصویب سازمان ملل استقبال کردند به طوری که تا کنون ۱۹۳ کشور جهان در آن عضو شده‌اند و به این ترتیب مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ است. این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل^۳ است که چهار اصول پایه‌ای زیر، به آن جهت می‌دهد:

- هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.
 - زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم‌گیری می‌شود، باید منافع آنها در رأس قرار گیرد.
 - کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند.
 - کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و به این نظرات در تمامی امور مربوط به آنها باید توجه شود. (کنوانسیون حقوق کودک، وب‌گاه یونیسف، ۲۰۰۸)
- بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودک هر فرد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شود و حق و حقوقی قانونی دارد که باید از طرف تمام اقشار مردم مورد احترام و پذیرش قرار گیرد. (سازمان ملل، ۱۹۸۹).

1. Thomas Spence

2. Kigotho

۳. در ۲۵ مه ۲۰۰۰ الحاق دو پروتکل اختیاری به کنوانسیون مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. یکی پروتکل الحاقی درباره خرید و فروش کودکان، خود فروشی کودکان و هرزه نگاری کودکان و دیگری به کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه. بر اساس این دو پروتکل الحاقی این اقدامات در کشورهای عضو ممنوع است.

کنوانسیون حقوق کودک از سوی دولت ایران در ۱۴ شهریورماه سال ۱۳۷۰ به امضاء دولت جمهوری اسلامی ایران رسید و سپس مجلس شورای جمهوری اسلامی ایران در صد و هشتاد و دومین جلسه خود آن را در سال ۱۳۷۲ با اکثریت آرا به تصویب رساند، اما وقتی کنوانسیون به شورای نگهبان فرستاده شد، این شورا چند ایراد مشخص بر این کنوانسیون گرفت و در نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی، چند ماده کنوانسیون حقوق کودک را خلاف شرع دانست، و مجلس بر این اساس، تصویب کرد که دولت ایران حق عدم اعمال مقررات یا موادی از کنوانسیون را دارد. به عبارت دیگر تأیید شورای نگهبان از این کنوانسیون، مشروط بر این بود که اگر مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان با قوانین داخلی و موازین اسلامی تعارض داشته باشد، یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد. شورای نگهبان نیز در نظریه شماره ۵۷۶۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۴ خود به مجلس، مشخصاً موارد مخالف کنوانسیون را با موازین شرع به این شرح اعلام داشت: «بند (۱) ماده ۱۲، بندهای (۱) و (۲) ماده ۱۳، بندهای (۱) و (۳) ماده ۱۴، بند (۲) ماده ۱۵، بند ۱ ماده ۱۶ مغایر^۱ موازین

۱.

ماده ۱۲:

بند ۱: کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند کرد کودکی که به شکل دادن عقاید خود قادر می‌باشد بتواند این عقاید را آزادانه درباره تمام موضوعات مربوط به خود ابراز کند، به نظرات کودک مطابق با سن و بلوغ او بهاداده می‌شود.

ماده ۱۳:

بند ۱: کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده می‌باشد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقیده و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ‌شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک می‌باشد.

بند ۲: اعمال این حق ممکن است منوط به محدودیت‌های به خصوص باشد، ولی این محدودیت‌ها فقط به مواردی منحصر است که در قانون تصریح شده و ضرورت دارند.

ماده ۱۴:

بند ۱: کشورهای طرف کنوانسیون حق آزادی فکر، عقیده و مذهب را برای کودک محترم خواهند شمرد.
بند ۳: آزادی اظهار مذهب و عقاید فقط طبق محدودیت‌هایی محدود می‌شود که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت، نظم، سلامت و اخلاقیات عمومی یا حقوق آزادی‌های اساسی دیگران لازم است.

ماده ۱۵:

بند ۲: به غیر از محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده یا برای حفظ منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت عمومی و اخلاقیات یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است، هیچ محدودیتی در اعمال این حقوق وجود ندارد.

ماده ۱۶:

بند ۱: در امور خصوصی، خانوادگی، یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌تواند به دلخواه یا غیر قانونی دخالت یا هتک حرمت کرد.

شرح شناخته شد. (ناصر زاده، ۱۳۷۹)

علاوه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و کنوانسیون حقوق کودک، می‌توان از آیین نامه انضباطی وزارت آموزش و پرورش نام برد، که در جهت حفظ و رعایت حقوق کودک تصویب و جهت اجرا، به مدارس ابلاغ شده است. بنابراین، بسیار حیاتی است که مشخص شود آیا مدیران آینده بالقوه مدارس، که در واقع مجریان این قوانین و مقررات هستند، از این قوانین اطلاع دارند یا خیر؟ زیرا تحقیقات نشان داده است در جوامعی که حقوق حقه کودکان شناخته شود و محترم باشد؛ کودکان این جوامع به اعضای مؤثر و فعال برای آن جامعه تبدیل خواهند شد. بنابراین، از آنجایی که کودکان خود به دستیابی به حقوق خود قادر نیستند، بزرگسالان چون والدین، مربیان آموزشی و سایر افراد جامعه باید با تلاش و ایمان به این مهم در سطح ملی و بین‌المللی در تحقق حقوق کودکان کوشا باشند. در این راستا آگاهی مربیان آموزشی، به خصوص مدیران مدارس از حقوق کودکان تأثیر بسیار حیاتی در حرفه آنها دارد و شایسته است که دانشکده‌هایی که به امر خطیر تربیت مدیران مدارس آینده کشور اقدام می‌کنند، این افراد را با حقوق کودکان آشنا و آنها را برای جامعه‌ای قانونمند تربیت کنند. (بریک، ۱۹۹۱).^۱ در تأیید این مهم می‌توان به ماده ۴۲ کنوانسیون حقوق کودک اشاره کرد که کشورهای عضو را موظف می‌کند که اصول و مقررات کنوانسیون را به طرّقی مناسب و فعال به اطلاع همگان برسانند.

با توجه به اهمیت مطالب فوق، هدف از این تحقیق شناخت میزان آگاهی مدیران آینده کشور از حقوق قانونی کودکان در جهت توجه به حقوق قانونی دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی درسی گرایش علوم تربیتی بود.

سؤال پژوهش

آیا دانش‌آموختگان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی نسبت به حقوق قانونی دانش‌آموزان که در کنوانسیون حقوق کودک، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آیین نامه انضباطی وزارت آموزش و پرورش آگاهی دارند؟



روش پژوهش

در این پژوهش روش تحقیق توصیفی است که با هدف بررسی میزان آگاهی‌های مدیران آینده مدارس و دربارهٔ حقوق دانش‌آموزان انجام شده است و از آنجایی که داده‌های حاصل از این تحقیق به صورت اسمی هستند از روش‌های آماری توصیفی مانند جداول فراوانی و در صد و در بخش آمار استنباطی از آزمون خی دو استفاده شد.

جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی (۳۱۰ نفر) است که در ترم آخر این رشته در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ در دانشگاه‌های دولتی تهران (به استثناء دانشگاه پیام نور) مشغول به تحصیل بودند.

نمونه و روش نمونه‌گیری

از کل جامعه آماری پژوهش، ابتدا به صورت تصادفی دو دانشگاه تهران و دانشگاه الزهراء (س) انتخاب شدند، سپس کلیه دانشجویان (۱۰۰ نفر) مشغول به تحصیل در ترم آخر این رشته به عنوان نمونه تحقیق از این دو دانشگاه، برگزیده شدند.

ابزار پژوهش

اطلاعات مورد نیاز این تحقیق از طریق یک پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری شد. سؤال‌های پرسشنامه که براساس چهارچوب نظری تحقیق ساخته شده است ۹ مؤلفه و ۲۷ سؤال را شامل است که مؤلفه‌های اصلی پرسشنامه عبارت است از:

۱. خشونت و بدرفتاری والدین نسبت به کودک خود در خانواده
۲. حق آزادی بیان و انتشار نظرات دانش‌آموز در مدرسه
۳. اخراج از مدرسه
۴. تنبیه فیزیکی شاگرد
۵. حقوق دانش‌آموز در دادگاه ویژه نوجوانان و جوانان
۶. در ارتباط با آموزش کودکان استثنائی

۷. تفتیش عقاید و دستگیری در مدرسه
 ۸. خرابکاری و خسارت دانش‌آموز به اموال مدرسه
 ۹. حضور و غیاب

روایی آزمون با روش‌های روایی محتوا و روایی صوری و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ (۰/۹۱)، برآورد شد. گزینه‌های سؤال‌های پرسشنامه بر اساس مقیاس دو ارزشی تدوین و از دانشجویان خواسته شد که پاسخ‌های خود را با استفاده از دوگزینه "می‌دانم" و "نمی‌دانم" مشخص کنند.

بررسی پیشینه تحقیق و بنیان‌های نظری

در این بخش از پژوهش، به ماده‌های تصویب شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کنوانسیون حقوق کودک، قانون و قوانین مصوب وزارت آموزش و پرورش در ارتباط با ۹ مؤلفه پژوهش اشاره شد و سپس در ارتباط با هر مؤلفه به پژوهش‌های پیشین اشاره شده است.

۱: خشونت و بدرفتاری والدین نسبت به کودک خود در خانواده^۱

۱.۱ آیا مدیران باید مورد فوق را به مراکز ذیربط گزارش دهند؟

۱.۲ در صورت نیاز آیا مدیران باید در دادگاه بر علیه خانواده کودک شهادت دهند؟

۱. هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان ممنوع است، اذیت و آزاری که موجب شود به آنها صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنها را به مخاطره اندازد. (ماده ۲، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان) هر گونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنها ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس یا تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد. (ماده ۴، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان)
 "دولت ایران موظف است کلیه اقدامات قانونی و اجرایی و اجتماعی و آموزشی لازم را برای حمایت از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی توجهی یا رفتار توأم با سهل انگاری، سوء رفتار یا بهره‌کشی، از جمله سوء استفاده جنسی در حین مراقبت توسط والد یا والدین؛ سرپرست یا سرپرستان قانونی و هر شخص دیگر عهده‌دار مراقبت از کودک، به عمل آورد". (ماده ۱۹، پیمان نامه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹).

در ارتباط با کودک آزاری ماده ۲، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، ماده ۴، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ماده ۱۹ پیمان نامه جهانی حقوق کودک و درباره دو سؤال فوق، در ماده ۵ و ۶، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان آمده است که:

”کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و به شکایت شاکی خصوصی احتیاج ندارد.“ (ماده، ۵) ”کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلف هستند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را به منظور پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیمی مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام کنند؛ تخلف از این تکلیف حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال را موجب خواهد بود.“ (ماده، ۶)

بریک^۱ (۱۹۹۱)، اظهار می‌دارد که مدیران مدارس موظف هستند که در صورت مشاهده کودک آزاری از طرف خانواده کودک، باید بلافاصله آن را به مراجع ذیصلاح اطلاع دهند و با کمک مشاوران مدرسه موضوع را پی‌گیری کنند.

۲: حق آزادی بیان و انتشار نظرات دانش‌آموز در مدرسه

۲.۳ آیا دانش‌آموزان می‌توانند انجمن‌های سیاسی تشکیل دهند؟

۲.۴ آیا دانش‌آموزان می‌توانند نظرات خود را منتشر کنند؟

۲.۵ آیا دانش‌آموزان می‌توانند آزادی بیان داشته باشند؟

در ارتباط با این مؤلفه در اصل ۲۷، ۲۶ قانون اساسی و بند ۱ ماده ۱۲، بند ۱ ماده ۱۳ و ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق کودک و بند ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۲۰ حقوق بشر صریحاً آمده است که: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزاد هستند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا

1. Berrick

۲. ماده ۱۲ در کنار ماده ۱۳ که حق آزادی بیان کودک را واجب می‌داند پیشاپیش از سوی شورای نگهبان کنار گذاشته شده است.

به شرکت در یکی از آنها مجبور کرد.» (اصل ۲۶ قانون اساسی)
تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، مشروط بر مخل نکردن مبانی اسلام آزاد است (اصل ۲۷ قانون اساسی).

«کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که کودکی که به شکل دادن عقاید خود قادر است حق ابراز آزادانه این عقاید را، در کلیه امور مربوط به خود، داشته باشد و متناسب با سن و میزان رشد فکری کودک به نظارت او اهمیت لازم داده شود.» (بند ۱، ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک).

«هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت آمیز تشکیل دهد» (ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر).

«کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده است. این حق آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات، عقیده و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ‌شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک را شامل است.» (بند یک ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک).

«حکومت‌ها حق کودک برای شرکت در اجتماعات را به رسمیت می‌شناسند. اجرای این حق نباید با امنیت ملی و نظم عمومی مغایرت داشته و منافی اخلاق عمومی یا برخلاف حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد» (بند ۱ و ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق کودک).

«هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه به طور شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا هر وسیله دیگر به انتخاب خود است» (بند ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی).

دیلن^۱ (۲۰۰۶) معتقد است که کودکان برای اینکه بتوانند در آینده وظایف اجتماعی خود را به خوبی انجام دهند باید اجتماعی پرورش یابند. تشکیل انجمن‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی مذهبی در مدارس تمرین خوبی خواهد بود که آنها بتوانند در آینده به عنوان یک شهروند خوب انجام وظیفه کنند. از طرف دیگر، اظهار می‌دارد، علاوه بر اینکه کودکان باید تحت مراقبت ویژه قرار گیرند، ولی باید به آنها آزادی داده شود تا بتوانند افکار و

1. Dillen



ایده‌های خود را بیان کنند.

در این ارتباط هانتز^۱ (۲۰۰۶) نیز ضمن تأکید بر رعایت حقوق آزادی بیان کودکان، متذکر می‌شود که این آزادی‌ها نباید اختلال در مدرسه را باعث شود.

۳: اخراج از مدرسه

۳.۶ دانش‌آموز از جرم خود باید مطلع باشد؟

۳.۷ به دانش‌آموز برای ارائه دلیل باید فرصت داد؟

۳.۸ آیا دانش‌آموز حق گرفتن وکیل در مقابل مدرسه را دارد؟

در ارتباط با اخراج دانش‌آموز از مدرسه به دلایل انجام دادن عملی خلاف قانون در مدرسه یا خارج از مدرسه، به قانونی بودن اخراج از مدرسه در آیین‌نامه‌های انضباطی وزارت آموزش و پرورش اشاره شده است که:

«در صورتی که دانش‌آموزی به علت تخلف از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر منتقل شود و نهایتاً تشخیص داده شود که نظم آموزشی و تربیتی را بر هم می‌زند و انحراف و گمراهی دانش‌آموزان دیگر را موجب می‌شود، با تأیید شورای مدرسه و موافقت اداره آموزش و پرورش مربوط در نوبت اول از حضور در مدارس منطقه یا ناحیه آموزشی مربوط و برای نوبت دوم تا مدتی که اداره کل آموزش و پرورش استان تعیین می‌کند، از حضور در کلیه مدارس محروم می‌شود و از اولیاء او خواسته می‌شود که تعلیم و تربیت فرزند خویش را بیرون از مدرسه بر عهده گیرند.» (ماده ۸۰ آیین‌نامه انضباطی وزارت آموزش و پرورش).

«در دبیرستان‌ها و هنرستان‌های وابسته به سایر وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مراکز غیروابسته به آموزش و پرورش و سایر واحدهای آموزشی که به علت منحصر به فرد بودن یا نظایر آن، انتقال دانش‌آموز از یک مدرسه به مدرسه دیگر ممکن نیست، در صورت استمرار تخلف، شورای مدرسه با موافقت اداره آموزش و پرورش نسبت به اخراج دانش‌آموز از آن مدرسه اقدام می‌کند.» (ماده ۷۹ آیین‌نامه انضباطی وزارت آموزش و پرورش).

«هر کودک زندانی حق استفاده از وکیل را برای دفاع از خود دارد و باید در دادگاه قانونی محاکمه شود که وابسته و جانبدار دولت، حزب، فرقه یا آیینی نباشد. کودک حق دارد به دیگر مراجع صلاحیت دار قانونی درباره حکم خود شکایت کند و به کار او سریع رسیدگی شود.»

(بند ۲ از ماده ۳۷ قانون مجازات عمومی).

«در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.» (اصل ۳۵ قانون اساسی).
گودمن^۱ (۲۰۰۵) در ارتباط با این مورد اظهار می‌دارد که اگر به هر دلیلی دانش آموز از مدرسه اخراج شد باید به دانش آموز و والدین او فرصت دفاع داده شود و به عبارت دیگر حرفهای آنها نیز شنیده شود. از طرف دیگر دیوز^۲ (۲۰۰۵) معتقد است تمام کودکان بر اساس حقوق کودک و قانون آموزش اجباری حق استفاده از آموزش را دارند بدون توجه به آنکه در مدرسه آنها چگونه رفتار کرده‌اند. طبق اصل قانون اساسی نیز هیچکس نباید به هر دلیلی از تحصیل محروم شود.

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت و موازین اسلام برخوردارند (اصل، ۲۰).

۴: تنبیه فیزیکی شاگرد

۴.۹ والدین می‌توانند فرزند خود را تنبیه کنند؟

۴.۱۰ دانش آموز می‌تواند اعتراض کند؟

۴.۱۱ اگر معلمی تنبیه بدنی را اعمال کند آیا مدیر باید معلم را بازخواست کند؟

در ارتباط با این مؤلفه در ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی، ماده ۱۹، کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۶۲ آیین نامه انضباطی وزارت آموزش و پرورش آمده است:
«ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تنبیه کنند. همچنین به موجب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجوران که ناظر به تأدیب و حفاظت آنها شود، مشروط به اینکه در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد جرم محسوب نمی‌شود.» (ماده ۱۱۷۹ قانون

1. Goodman

2. Davies



مدنی)!

«دولت ایران موظف است کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را برای حمایت از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی توجهی یا رفتار توأم با سهل انگاری، سوءرفتار یا بهره کشی از جمله سوءاستفاده جنسی در حین مراقبت توسط والد یا والدین، سرپرست یا سرپرستان قانونی و هر شخص دیگری به عمل آورد که عهده دار مراقبت از کودک است.» (ماده ۱۹، کنوانسیون حقوق کودک).

«مدیر مدرسه موظف است همکاران خود را نسبت به موارد انضباطی آگاه کند و ممنوعیت تنبیه بدنی را تذکر دهد و در صورت مشاهده تخلف، موضوع و شخص متخلف را به اداره آموزش و پرورش منطقه گزارش و معرفی کند تا در صورت لزوم به وسیله مراجع ذیصلاح پیگیری شود.» (ماده ۶۲ آیین نامه انضباطی وزارت آموزش و پرورش).

۵: حقوق دانش آموز در دادگاه ویژه نوجوانان و جوانان

۵.۱۲ آیا دانش آموز حق گرفتن وکیل را دارد؟

۵.۱۳ تخلف و جرم دانش آموز آیا باید ثابت شود؟

۵.۱۴ بعد از آزادی، شورای مدرسه آیا باید نحوه ادامه تحصیل را مشخص کند؟

۵.۱۵ مدت بازداشت دانش آموز آیا باید به عنوان وقفه تحصیلی حساب شود؟

در رابطه با این مؤلفه و سؤال‌های آن، در ماده‌های قانونی ۳۲، ۳۴، ۳۵ قانون اساسی و ماده ۱۰ و ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۸۴ قانون انضباطی وزارت آموزش و پرورش آمده است:

«هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر

۱. طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، پدر یا جد پدری اگر فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل منجر می‌شود درحالی که طبق مفاد پیمان نامه خشونت چه برسد به قتل نه تنها رد شده بلکه بر حق ذاتی کودک برای زندگی تأکید شده است. همان طور که مشاهده کرده و می‌کنیم این قانون در موارد بسیاری فساد و قتل را موجب شده است. درباره حق تنبیه کودکان نیز طبق ماده ۱۱۷۹ قانون مجازات اسلامی پدر یا جد پدری حق تنبیهی را دارند که خارج از حدود نباشد. از این قانون این گونه برمی‌آید که حق تنبیه شناخته شده است اما حدود آن مشخص نشده است. در همین رابط بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک کشورهای عضو را ملزم کرده است که هیچ کودکی مورد شکنجه غیرانسانی یا رفتار تحقیرآمیز قرار نگیرد.

ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» (اصل ۳۲ قانون اساسی).

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی منع کرد که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد.» (اصل ۳۴ قانون اساسی).

«در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانای انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.» (اصل ۳۵ قانون اساسی).

«هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوی او به وسیله دادگاه مساوی و بی طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی تصمیم بگیرد که به او متوجه شده است.» (ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر).

«هیچ کس را نمی‌توان خود سرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد.» (ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر).

«چنانچه دانش‌آموزی به دلیل ارتکاب جرمی از طریق مراجع قضائی بازداشت موقت شود، نحوه ادامه تحصیل او پس از آزادی برعهده شورای مدرسه با هماهنگی اداره آموزش و پرورش منطقه خواهد بود. مدت بازداشت چنین دانش‌آموزی به عنوان ترک تحصیل یا غیبت غیرموجه تلقی نمی‌شود.» (ماده ۸۴ قانون انضباطی وزارت آموزش و پرورش).

فرارو^۱ (۲۰۰۵) اظهار می‌دارد که کودکان این حق را دارند که صدای آنها در دادگاه‌ها شنیده شود و همچنین در ارتباط با مجازات احتمالی به آنها اطلاعات لازم داده شود.

۶: در ارتباط با آموزش کودکان استثنائی مدیر

۶.۱۶. آیا باید اولیاء کودک را از وضعیت کودک خود آگاه کنند؟

۶.۱۷. آیا اجازه کتبی والدین برای ارزشیابی دانش‌آموز لازم است؟

۶.۱۸. آیا دانش‌آموز حق دسترسی به پرونده خود را دارد؟



۱۹.۶. آیا والدین حق مطالعه پرونده فرزند خود را دارند؟

در ارتباط با مؤلفه آموزش و پرورش کودکان استثنائی، اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنائی در ۲۱ آذر ۱۳۶۹ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و این سازمان بر اساس مقررات این اساسنامه اداره می‌شود، طبق ماده ۸ قانون حمایت از حقوق معلولان، تحصیل دانش‌آموزان معلول در مدارس غیر انتفاعی رایگان است.

ولف^۱ (۱۹۹۹) اظهار می‌دارد دسترسی به آموزش حق قانونی تمام کودکان معلول جسمی و روحی است و در این ارتباط می‌افزاید که مدیران مدارس باید والدین را از معلولیت فرزند خود مطلع کنند و از آنها برای جایگزین کردن آنها در کلاسهای خاص و ارزشیابی بیشتر اجازه بگیرند. از طرف دیگر مدیر مدرسه باید پرونده دانش‌آموز را برای اطلاع والدین از پیشرفت تحصیلی در اختیار آنها قرار دهد.

۷: تفتیش عقاید و دستگیری در مدرسه

۷.۲۰. آیا معلم حق تفتیش عقاید و وسایل دانش‌آموز را دارد؟

۷.۲۱. آیا مدیر حق تفتیش عقاید و وسایل دانش‌آموز را دارد؟

۷.۲۲. آیا شاگرد حق اعتراض را دارد؟

«تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» (اصل ۲۳، قانون اساسی).

«از سوی حکومت‌های امضاکننده این پیمان نامه، حق کودکی که توانایی ساختن نظر شخصی خودش را دارد، به رسمیت شناخته می‌شود. کودک در تمامی امور مربوط به خود مطابق سن و رشد او، آزادی بیان و اظهار عقیده شخصی را دارد.» (بند ۱، ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک).

«برای این منظور، به کودک امکان داده می‌شود که در دادگاهها و در تمام مراحل قانونی، مستقیم یا با کمک وکیل یا نهاد مسئول و مناسب دیگر، مطابق قوانین موجود، محاکمه شود.» (بند ۲، ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک).

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های

صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند به این گونه دادگاه‌ها دسترسی داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی منع کرد که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد.» (اصل ۳۴، قانون اساسی).

کندی^۱ (۲۰۰۵) می‌گوید تفتیش عقاید کودکان علیه آزادی و دموکراسی است، ولی مدیر یا ناظم مدرسه این حق را دارد که کیف یا کمد دانش‌آموز را جستجو کند یا از پلیس بخواهد که این کار را بکند.

۸: خرابکاری و خسارت دانش‌آموز به اموال مدرسه

۸.۲۳ آیا والدین باید خسارت را بپردازند؟

۸.۲۴ آیا دانش‌آموز باید خسارت را بپردازد؟

در رابطه با خرابکاری و خسارت دانش‌آموز به اموال مدرسه در آیین‌نامه انضباطی وزارت آموزش و پرورش در ارتباط با مراقبت از وسایل شخصی و اهتمام در حفظ و نگهداری اموال، تجهیزات و ساختمان مدرسه آمده است که:

«چنانچه دانش‌آموزی به وسایل و ساختمان مدرسه یا سایر دانش‌آموزان خسارت وارد آورد، باید خسارت وارده توسط دانش‌آموز یا ولی او جبران شود.» (بند ۱۱، ماده ۵۸ مقررات انضباطی دانش‌آموزان).

۹: حضور و غیاب

۹.۲۵ آیا غیبت غیر موجه بیش از سه ماه ترک تحصیل محسوب می‌شود؟

۹.۲۶ آیا غیبت موجه ترک تحصیل محسوب نمی‌شود؟

۹.۲۷ آیا غیبت مکرر باعث اخراج از مدرسه می‌شود؟

آیین‌نامه انضباطی وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۷۹) در این ارتباط در ماده ۶۹، ۷۰ تأکید کرده است:

«مدیر مؤظف است در مواردی که دانش‌آموز تأخیر ورود مکرر یا غیبت غیرموجه داشته

^۱. Kenndey

باشد، مراتب را به اطلاع ولی او برساند تا با همکاری ولی چاره‌جویی لازم اعمال شود. چنانچه غیبت دانش‌آموز پسر مشمول وظیفه عمومی بیش از حد مقرر در ماده ۳۹ این آیین نامه می‌باشد مدیر مؤظف است مراتب ترک تحصیل او را به مراجع مربوط اعلام کند.» (ماده ۶۹).

«غیبت غیرموجه و تأخیر ورود دانش‌آموز در دفتر انضباطی ثبت و کسر نمره انضباط را موجب می‌شود و در صورت تأخیر ورود مکرر یا غیبت بیش از حد، مدیر مدرسه مؤظف است با نظر شورای مدرسه تصمیم مقتضی را برابر مفاد ماده ۷۶ اتخاذ کند و مراتب را کتباً به ولی دانش‌آموز ابلاغ کند.» (ماده ۷۰).

یافته‌های پژوهش

سؤال پژوهش

آیا دانش‌آموختگان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی نسبت به حقوق قانونی دانش‌آموزان که در کنوانسیون حقوق کودک، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آیین نامه انضباطی وزارت آموزش و پرورش آگاهی دارند؟

جدول ۱: مؤلفه خشونت و بدرفتاری والدین نسبت به کودک خود در خانواده

سطح معناداری	درجه آزادی	مجدورخی	مجموع	پرسش		خشونت و بدرفتاری والدین نسبت به کودک خود در خانواده
				می‌دانم	نمی‌دانم	
۰/۳۱	۱	۱/۰۲۰	۹۸	۴۴	۵۴	۱.۱. مدیران باید مورد فوق را به مراکز ذی ربط گزارش دهند.
۰/۰۱۱	۱	۶/۴۴۳	۹۷	۶۱	۳۶	۱.۲. در صورت نیاز مدیران باید در دادگاه بر علیه خانواده کودک شهادت دهند.

یافته‌های پژوهش درباره مؤلفه اول پژوهش (خشونت و بدرفتاری والدین نسبت به کودک خود در خانواده) نشان می‌دهد که مدیران آینده مدارس کشور نسبت به اولین سؤال این مؤلفه، (مبنی بر اینکه مدیران باید بدرفتاری با کودک را به مراکز ذی ربط گزارش دهند)، نسبتاً آگاهی داشته‌اند، ولی از نظر آماری، اختلاف بین اطلاع پاسخگویان از گزارش دادن بدرفتاری با

کودک به مراکز ذریبط با اطلاع نداشتن آنها تفاوت ظاهری داشته و این تفاوت معنا دار نبوده است، اما درباره این سؤال که آیا در صورت نیاز مدیران باید در دادگاه علیه خانواده کودک شهادت دهند، اطلاع مدیران کمتر از اطلاع نداشتن آنها بوده و از نظر آماری این تفاوت معنا دار است. بنابراین، درباره مؤلفه اول باید گفت که پاسخ سؤال پژوهش به طور کلی اطلاع نداشتن پاسخگویان نسبت به این مؤلفه است.

جدول ۲: مؤلفه حق آزادی بیان و انتشار نظرات دانش‌آموز در مدرسه

سطح معنا داری	درجه آزادی	مجذورخی	مجموع	پرسش		حق آزادی بیان و انتشار نظرات دانش‌آموز در مدرسه
				می‌دانم	نمی‌دانم	
/۰۰۱	۱	۱۴/۷۳۵	۹۸	۶۸	۳۰	۲.۳. تشکیل انجمن‌های سیاسی
/۰۰۱	۱	۲۸/۱۶۷	۹۶	۷۴	۲۲	۲.۴. فقط حق انتشار نظرات خود
/۰۰۵	۱	۸/۰۰۰	۹۸	۶۳	۳۵	۲.۵. فقط حق آزادی بیان

درباره مؤلفه دوم پژوهش (حق آزادی بیان و انتشار نظرات دانش‌آموز در مدرسه)، درباره هر سه سؤال این مؤلفه، اطلاع نداشتن پاسخگویان بیشتر از اطلاع آنها نسبت به این قوانین بوده است و این تفاوت بین پاسخ‌ها معنادار است. بنابراین، درباره این مؤلفه جواب سؤال پژوهش بیان‌کننده اطلاع نداشتن پاسخگویان نسبت به قوانین مطرح شده در این مؤلفه است.



جدول ۳: مؤلفه اخراج دانش‌آموزان از مدرسه

سطح معنا داری	درجه آزادی	مجذورخی	مجموع	پرسش		اخراج از مدرسه
				می‌دانم	نمی‌دانم	
۰/۰۰۱	۱	۲۵/۵۱۰	۹۸	۲۴	۷۴	۳.۶ دانش‌آموز باید از جرم خود مطلع باشد
۰/۰۰۲	۱	۹/۱۸۴	۹۸	۳۴	۶۴	۳.۷ دادن فرصت به دانش‌آموز برای ارائه دلیل
۰/۰۰۱	۱	۲۳/۲۵۳	۹۵	۷۱	۲۴	۳.۸ حق گرفتن وکیل در مقابل مدرسه

در ارتباط با سؤال اخراج دانش‌آموزان از مدرسه، اطلاع پاسخ‌گویان بیشتر از اطلاع نداشتن آنها نسبت به دو گزینه ۳.۶ و ۳.۷ بوده است و از نظر آماری تفاوت بین پاسخ‌ها معنا دار بوده است، اما درباره گزینه سوم، (حق گرفتن وکیل در مقابل مدرسه)، اطلاع نداشتن پاسخ‌گویان بیشتر از اطلاع آنها از موضوع بوده و این تفاوت نیز از نظر آماری معنا دار بوده است. بنابراین، به طور کلی می‌توان گفت مدیران آینده مدارس نسبت به این مؤلفه اطلاع و آگاهی داشته‌اند.

جدول ۴: مؤلفه تنبیه فیزیکی شاگرد

سطح معنا داری	درجه آزادی	مجذورخی	مجموع	پرسش		تنبیه فیزیکی شاگرد
				می‌دانم	نمی‌دانم	
۰/۱۰	۱	۲/۶۶۷	۹۶	۵۶	۴۰	۴.۹ والدین می‌توانند فرزند خود را تنبیه کنند.
۰/۵۴	۱	۰/۳۶۷	۹۸	۵۲	۴۶	۴.۱۰ دانش‌آموز می‌تواند اعتراض کند.
۰/۱۱	۱	۶/۴۴۳	۹۷	۳۶	۶۱	۴.۱۱ اگر معلمی تنبیه بدنی را اعمال کند مدیر باید معلم را بازخواست کند.

درباره مؤلفه چهارم پژوهش (تنبیه فیزیکی شاگرد) در ارتباط با سؤال ۴.۹ و سؤال ۴.۱۰ اکثریت پاسخ‌گویان نسبت به این قوانین آگاهی نداشته‌اند و اختلاف بین اطلاع پاسخ‌گویان با

اطلاع نداشتن آنها از نظر آماری تفاوت ظاهری داشته و تفاوت به دست آمده معنادار نیست، اما درباره سؤال ۴.۱۱ (اگر معلمی تنبیه بدنی را اعمال کند مدیر باید معلم را بازخواست کند)، اطلاع پاسخگویان بیشتر از آگاهی نداشتن آنها بوده و این تفاوت از نظر آماری معنادار است. بنابراین، درباره تنبیه فیزیکی شاگرد از دو بند اول آن حدود ۴۰ درصد از نمونه تحقیق نسبت به این موارد آگاهی داشته اند و حدود ۶۰ درصد بدون آگاهی بودند. در رابطه با بند سوم اکثر شرکت کنندگان نسبت به این گزینه آگاه بودند.

جدول ۵: مؤلفه حقوق دانش آموز در دادگاه ویژه نوجوانان و جوانان

سطح معنا داری	درجه آزادی	مجذورخی	مجموع	پرسش		حقوق دانش آموز در دادگاه ویژه نوجوانان و جوانان
				می دانم	نمی دانم	
۰/۰۲	۱	۵/۳۴۳	۹۹	۶۱	۳۸	۵.۱۲. حق گرفتن وکیل
۰/۰۰۱	۱	۱۵/۳۶۴	۹۹	۶۹	۳۰	۵.۱۳. بعد از آزادی، شورای مدرسه باید نحوه ادامه تحصیل را مشخص کند.
۰/۰۰۱	۱	۳۶/۷۳۵	۹۸	۷۹	۱۹	۵.۱۴. مدت بازداشت دانش آموز به عنوان وقفه تحصیلی حساب می شود.
۰/۸۴	۱	۲/۹۷۹	۹۷	۴۰	۵۷	۵.۱۵. تخلف و جرم دانش آموز باید ثابت شود.

در ارتباط با این مؤلفه، درباره گزینه‌های ۵.۱۲، ۵.۱۳، و ۵.۱۴، اطلاع نداشتن پاسخگویان بیشتر از اطلاع آنها در این موارد بوده است و از نظر آماری تفاوت بین پاسخ‌ها معنادار است. اما درباره گزینه ۵.۱۵ (تخلف و جرم دانش آموز باید ثابت شود)، اختلاف بین اطلاع پاسخگویان با آگاهی نداشتن آنها نسبت به این گزینه ظاهری بوده و از نظر آماری تفاوت معنادار نیست. بنابراین، پاسخ مدیران آینده مدارس کشور به این مؤلفه پژوهش نشان دهنده اطلاع نداشتن آنها به این قوانین است.



جدول ۶: مؤلفه آموزش کودکان استثنائی

سطح معنا داری	درجه آزادی	مجذورخی	مجموع	پرسش		در ارتباط با آموزش کودکان استثنائی مدیر باید
				می دانم	نمی دانم	
۰/۰۰۵		۷/۸۴۰	۹۷	۳۶	۶۴	۶.۱۶. آگاه کردن اولیاء از وضعیت کودک
۰/۰۰۱	۱	۱۳/۵۰۰	۹۶	۶۶	۳۰	۶.۱۷. لزوم اجاره کتبی والدین برای ارزشیابی دانش آموز
۰/۰۰۱	۱	۳۷/۵۰۰	۹۶	۷۸	۱۸	۶.۱۸. حق دانش آموز برای دسترسی به پرونده خود
۰/۱۰	۱	۲/۶۴۷	۹۵	۵۰	۳۵	۶.۱۹. حق والدین برای مطالعه پرونده فرزند خود

در ارتباط با مؤلفه ششم پژوهش (آموزش کودکان استثنائی)، درباره گزینه ۶.۱۷ و گزینه ۶.۱۸، اطلاع نداشتن پاسخگویان بیشتر از اطلاع آنها نسبت به این قوانین بوده است و از نظر آماری تفاوت به دست آمده معنادار است، اما درباره گزینه ۶.۱۶، اطلاع پاسخگویان بیشتر از اطلاع نداشتن آنها بوده و این تفاوت نیز معنادار است. در ارتباط با گزینه ۶.۱۹، اختلاف بین اطلاع پاسخگویان با اطلاع نداشتن آنها تفاوت ظاهری داشته و تفاوت به دست آمده از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین، درباره این مؤلفه، نتیجه پژوهش نشان دهنده اطلاع نداشتن پاسخگویان نسبت به این مؤلفه است.

جدول ۷: مؤلفه تفتیش عقاید و دستگیری در مدرسه

سطح معنا داری	درجه آزادی	مجذورخی	مجموع	پرسش		تفتیش عقاید و دستگیری در مدرسه
				می دانم	نمی دانم	
۰/۰۰۱	۱	۲۸/۱۶۷	۹۷	۷۴	۲۲	۷.۲۰. حق معلم برای تفتیش عقاید و وسایل دانش آموز
۰/۰۰۱	۱	۲۲/۷۷۳	۹۷	۷۲	۲۵	۷.۲۱. حق مدیر برای تفتیش عقاید و وسایل دانش آموز
۰/۸۴	۱	۲/۹۷۹	۹۷	۵۷	۴۰	۷.۲۲. حق شاگرد برای اعتراض

درباره مؤلفه هفتم پژوهش (تفتیش عقاید و دستگیری دانش‌آموز در مدرسه)، درباره گزینه‌های ۷.۲۰ و ۷.۲۱، اطلاع نداشتن پاسخگویان بیشتر از اطلاع آنها در این موارد قانونی بوده است و تفاوت بین پاسخ‌ها از نظر آماری معنا دار است، اما در ارتباط با سؤال ۷.۲۲، اختلاف بین اطلاع پاسخگویان با اطلاع نداشتن آنها تفاوت ظاهری داشته و تفاوت به دست آمده معنا دار نیست. بنابراین، جواب پژوهش درباره این مؤلفه، اطلاع نداشتن پاسخگویان نسبت به این قوانین است.

جدول ۸: مؤلفه خرابکاری و خسارت دانش‌آموز به اموال مدرسه

سطح معنا داری	درجه آزادی	مجذورخی	مجموع	پرسش		خرابکاری و خسارت دانش‌آموز به اموال مدرسه
				می‌دانم	نمی‌دانم	
۵/۱۵۷	۱	۲/۰۰۰	۹۸	۴۲	۵۶	۸.۲۳. والدین باید خسارت را بپردازند
۵/۰۰۲	۱	۹/۱۸۴	۹۸	۶۴	۳۴	۸.۲۴. دانش‌آموز باید خسارت را بپردازد

درباره گزینه ۸.۲۳، مؤلفه هشتم این پژوهش (خرابکاری و خسارت دانش‌آموز به اموال مدرسه) اختلاف بین اطلاع پاسخگویان با اطلاع نداشتن آنها تفاوت ظاهری دارد و این تفاوت بین پاسخ‌ها از نظر آماری معنا دار نیست، اما درباره این مسئله که اگر دانش‌آموز به اموال مدرسه خسارت وارد کند باید دانش‌آموز خسارت را بپردازد (گزینه ۸.۲۴)، اطلاع پاسخگویان کمتر از اطلاع نداشتن آنها به این قانون بوده و تفاوت محاسبه شده معنا دار است. بنابراین، درباره مؤلفه هشتم پژوهش نیز نتیجه پژوهش نشان دهنده اطلاع نداشتن پاسخگویان نسبت به این قوانین است.

جدول ۹: مؤلفه حضور و غیاب

سطح معنا داری	درجه آزادی	مجذورخی	مجموع	پرسش		حضور و غیاب
				می‌دانم	نمی‌دانم	
۵/۰۰۱	۱	۱۲/۳۷۴	۹۹	۶۷	۳۲	۹.۲۵. غیبت غیر موجه بیش از سه ماه ترک تحصیل محسوب می‌شود.
۵/۳۶	۱	۱/۸۱۸	۹۹	۴۵	۵۴	۹.۲۶. غیبت موجه ترک تحصیل محسوب نمی‌شود.
۵/۰۰۲	۱	۹/۳۷۵	۹۶	۶۳	۳۳	۹.۲۷. اخراج از مدرسه



در ارتباط با آخرین مؤلفه پژوهش، حضور و غیاب در مدرسه، دو گزینه ۹.۲۶ و ۹.۲۷، اطلاع نداشتن پاسخگویان بیشتر از اطلاع آنها در این دو مورد بوده و تفاوت بین پاسخ‌ها از نظر آماری معنا دار است، اما در ارتباط با سؤال ۹.۲۵ غیبت غیر موجه بیش از سه ماه ترک تحصیل محسوب می‌شود. اختلاف بین اطلاع پاسخگویان به این پرسش با اطلاع نداشتن آنها تفاوت ظاهری داشته و معنادار نیست. بنابراین، پاسخ به این مؤلفه پژوهش نشان دهنده اطلاع نداشتن پاسخگویان نسبت به این امر است.

بحث و نتیجه گیری

حقوق کودک را می‌توان از دو جهت بررسی کرد. اول حقوق کودک در خانواده و دوم حقوق کودک در اجتماع؛ در صورت اول باید متذکر شد که کودک در خانواده متولد می‌شود، حق شناسایی و کسب هویت فردی و اجتماعی (داشتن سند ولادت، تابعیت و اقامتگاه)، حق انتساب به خانواده (حق حضانت، ولایت، ارث و...) از جمله حقوق کودک در خانواده است. در ارتباط با حقوق کودک در اجتماع باید گفت که کودک در خانواده رشد می‌کند و برای ورود به جامعه آماده می‌شود. بنابراین، علاوه بر خانواده، اجتماع و مدرسه نیز، به عنوان یک نهاد اجتماعی، در مقابل کودک وظایفی دارد. بر اساس قانون اساسی هر کشور تأمین حقوق و نیازهای اولیه و اساسی هر انسان از جمله کودک، به عهده دولت و سازمان‌های مدنی است. بنابراین، دانش‌آموزان به عنوان شهروندان آینده هر کشور و شهروندان جهانی و همچنین به خاطر آسیب پذیری بالای آنها به علت شرایط سنی، باید در مقابل آسیب‌های روحی و جسمانی از سوی خانواده و مدرسه از جنبه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حمایت شوند. این آسیب پذیری ایجاب می‌کند که خانواده‌ها و مسئولان آموزشی با اجرای قوانین و احترام به حقوق دانش‌آموزان، زمینه‌های لازم را برای رشد و سلامت جسمی و روانی آنها فراهم کرده و به آنها کمک کنند تا تحولات و بحرانهای این دوران را بدون تنش پشت سر بگذارند.

بنابراین، یکی از حقوق اجتماعی مسلم کودکان بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های فردی در زمینه سیاسی و اجتماعی است. او باید آزاد باشد تا بتواند عقاید خود را ابراز کند و افکار و اندیشه‌های خود را به دیگران منتقل کند، حقوق اجتماعی و هویت ملی داشته باشد. در یک کلام، به عنوان یک شهروند، بتواند از حقوق و آزادی‌های فردی برخوردار شود. به عبارت

دیگر کودک باید در مقابل خطرات، از سوی خانواده و جامعه هم از جنبه قضایی و هم اجتماعی حمایت شود. جرایم علیه کودکان شناسایی و با آن برخورد قاطع شود. (آشوری، ۱۳۷۸).

آموزش و پرورش سازمانی اجتماعی است که هدف اصلی و اساسی آن آماده کردن و رشد همه جانبه افراد برای ورود به جامعه است. به دلیل اهمیت آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت افراد و تربیت شهروندانی مطلع و آگاه، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به فعالیت‌های این سازمان بیش از پیش توجه کرده‌اند. مدرسه نهادی است که با کودکان و نوجوانان ارتباطی گسترده و عمیق دارد. ۶۶ درصد جمعیت این کشور را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند که در مقاطع مختلف مشغول به تحصیل هستند (صافی، ۱۳۷۳). بنابراین، علاوه بر خانواده، اجتماع، از جمله مدارس، نیز در مقابل کودک مسئولیت سنگینی به عهده دارد. بر اساس قانون اساسی و با توجه به اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک، کودکان باید آمادگی کامل برای زندگی فردی در جامعه را داشته باشند و در سایه قوانین با اعتقاد به صلح، احترام به یگدیگر، بردباری، آزادی، برابری و اتحاد بزرگ شوند. با تأکید به لزوم مراقبت‌های ویژه از کودک در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اسناد و احکام سازمانهای تخصصی سازمانهای بین‌المللی مربوط به رفاه کودکان، لازم است تمام اقشار جامعه از جمله والدین و مسئولان در نظام آموزش و پرورش حتی خود کودکان، درباره این قوانین آگاهی داشته باشند و ضمن احترام به آنها در اجرای صحیح آنها کوشا و مشارکت داشته باشند. بنابراین، برای مدیران مدارس، به عنوان کسانی که سهم بسزایی در تربیت نسل آینده این کشور دارند، آشنایی به حقوق قانونی دانش آموزان از ملزومات اولیه حرفه آنهاست. مدیران مدارس، همانند سایر مربیان آموزشی و پرورشی، به عنوان نماینده وزارت آموزش و پرورش در مدارس در برابر کلیه امور مدرسه مسئول هستند که به نوعی با سلامت روح و جسم کودک مرتبط است، اما به دلیل آگاهی بسیار کم اولیاء مدارس و سایر مراکز آموزشی به حقوق کودکان و حقوق شهروندی آنها یکی از معضلات جامعه کنونی کشور ما چگونگی رفتار با دانش‌آموزان در خانواده و مدارس می‌باشد.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مدیران آینده مدارس کشور همان طور که در بخش

یافته‌های پژوهش آمده است نسبت به اکثر مؤلفه‌های (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹) حقوق قانونی دانش‌آموزان آگاهی‌های لازم را ندارند و این کمبود نشان دهنده فقدان آموزش حقوق کودکان به دانشجویان از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی و انعکاس ندادن این قوانین در برنامه‌های درسی در گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشکده‌های علوم تربیتی است. آموزش حقوق شهروندی و تربیت یک شهروند دموکراتیک به دلایل مختلف، از جمله بر حسب زدن "غرب گرایی" به آن، مظلوم واقع شده تا جایی که نه تنها در اهداف غایی نظام آموزشی ما در مقاطع و سطوح مختلف به این مسئله مهم هیچ گونه توجهی نشده است، بلکه در سطح برنامه‌ریزی‌های کلان مملکت این توجه بسیار کم رنگ و غیر سیستمی بوده است. بنابراین، از آنجایی که آگاهی نداشتن اقشار مختلف به حقوق خود به عنوان یک «شهروند»، از جهان بینی و ساختارهای کلان عقیدتی و مدنی یک کشور نشأت می‌گیرد. بنابراین، زمان آن رسیده است که مسئولان امر با نگاهی نو در اهداف آموزشی در تمام مقاطع تحصیلی تجدیدنظر کنند و تربیت شهروندان آگاه نسبت به حقوق خود و دیگران را در زمره اهداف غایی آموزش و پرورش قرار دهند. در این راستا است که نظام آموزش و پرورش ما می‌تواند انسانهایی را به جامعه تحویل دهد که مفاهیمی چون شأن و منزلت فرد، حاکمیت بر سرنوشت خود و کثرت گرایی را از زمره باورهای اساسی و دموکراسی خود قرار داده و با آشنایی به حقوق خود که قوای عقلانی فرد را رشد می‌دهد، به عنوان یک شهروند تعرضات در جامعه را تشخیص دهد و با آن به طور قانونمند مواجه شود. بر اساس مباحث فوق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- توجه و تأکید به حقوق کودکان و گنجانیدن آن در اهداف کلی نظام آموزش و پرورش در تمام مقاطع تحصیلی.
- برگزاری دوره‌های آموزشی در ارتباط با حقوق کودکان برای خانواده‌ها با پشتیبانی و حمایت مدارس.
- برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت در ارتباط با حقوق کودکان برای معلمان، مدیران، اساتید دانشگاه‌ها و سایر مسئولان آموزشی و اجرایی در نظام آموزش و پرورش.
- اختصاص دو واحد آموزشی برای دانشجویان علوم تربیتی با گرایش‌های مختلف

در ارتباط با حقوق کودکان با توجه به قانون اساسی، کنوانسیون حقوق کودک و سایر قوانین مربوطه.

- انعکاس و اجرای قوانینی که هنوز در آیین نامه‌های اجرایی و مقررات وزارت آموزش و پرورش نسبت به آنها هیچگونه پیش بینی انجام نشده است. مانند مسائل و مشکلات آموزش کودکان استثنایی، و حقوق دانش‌آموزان در دادگاه‌های ویژه نوجوانان، جوانان و سایر موارد.
- رفع تعارضات موجود در ارتباط با حقوق کودکان در آیین نامه‌ها و بخشنامه‌های وزارت آموزش و پرورش با قانون اساسی و کنوانسیون حقوق کودک.
- جلب حمایت و مشارکت مسئولان آموزشی و اجرایی کشور، برای اجرای مصوبه‌های کنوانسیون حقوق کودک که در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۷۰ به امضاء جمهوری اسلامی رسیده است.
- تألیف کتب درسی در ارتباط با حقوق کودکان و آشنا کردن آنها با حقوق قانونی خود.



منابع

- آشوری، محمد، (۱۳۷۸). حقوق بشر و مفاهیم مساوات: انصاف و عدالت، تهران، اندیشه.
- صافی، الف، (۱۳۷۳). سازمان و مقررات وزارت آموزش و پرورش، تهران، سمت.
- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، (۱۳۸۷). بازیابی شده از سایت <http://hoghooghdanan.com/lawblog/article13.html> اسفند ماه.
- کنوانسیون حقوق کودک، (۱۳۸۷). بازیابی شده از سایت، <http://irbar.com> آبان ماه.
- کنوانسیون حقوق بشر، (۱۳۸۷). بازیابی شده از سایت <http://www.sarmayeh.net/ShowNews.php?46288> اسفند ماه.
- ناصر زاده، هوشنگ، (۱۳۷۹). حقوق بشر در جهان امروز: اولویتهای برای سازمان ملل متحد، تهران، دانشگاه تهران، مرکز مطالعات سازمان ملل.
- وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۶۹). قوانین و مقررات در مدارس، تهران، مدرسه.
- وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۷۹). آیین نامه اجرایی مدارس، تهران، دبیر خانه شورای عالی آموزش و پرورش.

- Berrick, J. D, (1991). The Role of the School Social Worker in Child Abuse Prevention, *Social Work in Education*, 13, (3) 195-200.
- UNICEF, (2008). Convention on the Rights of the Child. Retrieved from <http://www.unicef.org/crc>.
- Davies, J. D, (2005). To attend or not to attend? Why Some Students Chose School and Others Reject it, *Support for Learning*, 21, (4) 204-209.
- Dillen, A, (2006). Children Between Liberation and Care: Ethical Perspectives on the Rights of Children and Parent-Child Relationships, *International Journal of Children's spirituality*, 11, (2), 237-25.
- Ferraro, P & Weinreich, J. R, (2005). Unprotected in the Classroom, *American School Board Journal*, 193, (11) 40-44.
- Goodman, J. F, (2005). School Discipline in Moral Disarray, *Journal of Moral Education*, 35 (2), 213-230.
- Hunter, J, (2006). Legal instruction within initial teacher training, *Education for Teaching, Journal of*, 32 (3) 259-268.
- Kennedy, R, (2005). Questions...for Mary Beth Tinker, *American School Board Journal*, 193, (11) 14-25.

- Kigotho, W, (2006). Brutal Beatings end Use of Cane, *Time Educational Supplement*, 9 (4701)16-18.
- United Nations, (1998). *Convention on the Rights of the Child*, Ratifications and Reservations. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. Retrieved from <www.ohchr.org/english/countries/ratification/11.htm>.
- United Nations, (1998). *Convention on the Rights of Child*. Initial reports of States due in 1996: Iran (Islamic Republic of 98/7/23, (RC/C/41/Add.5)/ State Party Report.
- Wolf, k, (1999). *Skills for Success*, New York, AFB Press.

